



@fosselat

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نهج البلاغه ( اخ القرآن )

از دیدگاه دانشمندان

دون کلام الخالق  
وفوق کلام المخلوقین

"به نظر وی در نهج البلاغه آیات توحید و حکمت الهی چنان درخشان و پرتو افکن است که بررسی و تحقیق همه پژوهندگان را شامل می شود ... و چون خوب دقت کنی صدای امام علی (ع) را از سوی کلمات می شنوی نه صدای دیگری را"

[شناخت نهج البلاغه - محمد دشتی]





## ۲- جورج سجعان جرداق مسیحی ( استاد ادبیات لبنان )

@fosselat

- در سیزده سالگی بیشتر نهج البلاغه را حفظ کرده است .

- در مورد امام علی (ع) می گوید : "ای روزگار چه می شد اگر هر چه قدرت و قوه داری به کار می بردی و در هر زمان يك علی با آن عقلش ، با آن قلبش ، با آن زبانش ، با آن ذوالفقارش به عالم می بخشیدی"

[مقدمه کتاب امام علی (ع) صدای عدالت انسانی]

- "عده ای از مردم کشورهای حوزه خلیج فارس و مصر به من پیشنهاد می کردند که درباره دیگران هم بنویسم ؛ اما من نپذیرفتم ... بلکه من پس از علی (ع) کسی را شایسته ی نوشتن ندیدم و تصمیم گرفتم که جز درباره علی (ع) ننویسم"

[مقدمه کتاب شکوه نهج البلاغه]

- "جاذبه هلی نهج البلاغه ی امام علی (ع) شوری در من ایجاد کرد که دویست بار نهج البلاغه را مطالعه کردم"



- وی میگوید : "مشهورترین خطیب صدر اسلام علی ابن ابی طالب (ع) است . در یونان برای دموستن ( خطیب مشهور ) شصت و چند خطبه ذکر کرده اند که نصف آن را هم به اشتباه به او نسبت داده اند ، اما در رابطه با امام علی (ع) چند صد خطبه شمرده اند"

[تاریخ آداب اللغة العربیة ، ج ۱ ص ۱۸۸ - جرجی زیدان ]





- « و انّی لأعتقد أنّ النظر فی کتاب ( نهج البلاغه ) یورث الرجوله و الشهامه و عظمه النفس، لأنّه من روح قهار واجه المصاعب بعزائم الأسود»

وی می گوید : "به اعتقاد من مطالعه نهج البلاغه ، در خواننده ، مردانگی ، شهامت و عظمت نفس ایجاد می کند . زیرا این کتاب ، فیضی از روح بزرگ است که با اراده ی آهنین خود با مشکلات مواجه گشته .... خدمت دیگر نهج البلاغه به زبان عربی این است که فرصت پر ارزشی برای تحرك اندیشه ها و عقل ها به وجود آورده است "



[نهج البلاغه و گردآورنده آن . ص ۱۲۵]



۵- شیخ محمد عبده ( شارح نهج البلاغه و رئیس و مفتی الازهر مصر )

- "در میان دانشمندان و سخن شناسان زبان و ادبیات عرب ، کسی نیست که به عظمت علی (ع) اعتراف نکند . کلام او ( نهج البلاغه ) ، پس از کلام خداوند و رسولش ، شریفترین و برترین سخن و دارای بهترین شیوه و بیشترین معانی و محتواست"

[شیخ محمد عبده ، شرح نهج البلاغه ، ص ۶ - مقدمه]

- درباره آشنائیش با نهج البلاغه می گوید :

دست تقدیر کمک کرد که من در کتاب "نهج البلاغه" اطلاع پیدا کنم و این برخورد من با این کتاب بدون کوشش و اراده ی من بلکه به صرف اتفاق و تصادف بود ، در حالی که خیلی فکرم مشغول و غصه هایم فراوان بود . پس بعضی صفحه هایش را ورق زدم و جمله هایی از آن را تامل نمودم .

برایم چنین تخیل می شد که :

جنگ هایی در گرفته ، شبیخون ها زده شده است ؛ در عالم بیان ، دولت و حکومتی است ، يك عده شکست خورده و عده ای پیروز شده اند ؛ در این میان دیدم مدیر و مدبر این دولت قهرمان این معرکه و حکومت ، امام علی ابن ابی طالب (ع) می باشد.

[مقدمه شرح نهج البلاغه عبده]



۶- شریف رضی ( گردآورنده نهج البلاغه در قرن چهارم ) :

- در مقدمه نهج البلاغه پس از بیان اسرار بلاغت آن می گوید و دلیل جمع آوری آن :

"لان كلامه (ع)، الكلام الذى عليه مسح من العلم الالهى و فيه عقبه من الكلام النبوى"

[مقدمه نهج البلاغه]

"زیرا کلام او نشانه هایی از علم خداست و عطر و بویی از سخنان پیامبر (ص)"





۷- ابن ابی الحدید معتزلی ( شارح معروف نهج البلاغه - قرن هفتم )

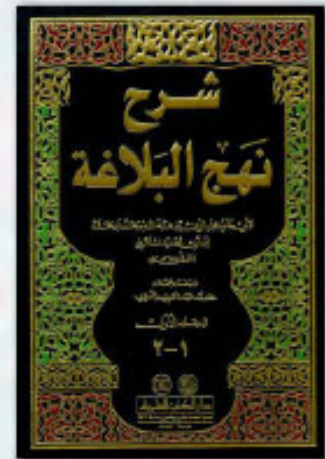
- او در ذیل شرح خطبه ۲۲۱ ( خطبه تکاثر ) می نویسد : ( سجده در برابر سخنان علی (ع) )  
"و ینبغی لو اجتمع فصحاء العرب قاطبه فی مجلس و تلی علیهم ان یسجدوا له کما سجد  
الشعراء لقول عدی بن الرقاع : .... فلما قیل لهم فی ذلك قالوا انا نعرف مواضع السجود  
فی الشعر کما نعرفون مواضع السجود فی القرآن "

[شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۱۵۲]

- باز ابن ابی الحدید در مقدمه شرحش بر نهج البلاغه می نویسد :

"وأما الفصاحة فهو (ع) إمام الفصحاء و سید البلغاء و فی کلامه قیل دون کلام الخالق و فوق  
کلام المخلوقین و منه تعلم الناس الخطابه و الكتابه"

[شرح نهج البلاغه ابن الحدید، ج ۲، ص ۸۴]





- "در سال ۲۰۰۳ میلادی ، نامه ۵۳ نهج البلاغه ( عهد نامه مال اشتر ) ، به عنوان مهم ترین سند عدالت گستر تاریخ بشر ، در سازمان ملل متحد به ثبت رسیده معرفی شده است"

[ اطلاعات بین الملل ۲۵ آبان سال ۱۳۸۲ - ۲۰۰۳/۱۱/۱۶ میلادی ]



- برتری عهد نامه مالك اشتر ( نامه ۵۳ نهج البلاغه بر منشور سازمان ملل

- مقایسه جرج جرداق مسیحی میان " عهد نامه مالك اشتر " و " منشور سازمان ملل متحد " :

۱ - علی (ع) آن را در حدود 1400 سال قبل نوشته ولی منشور سازمان ملل را امروز پس از این همه پیشرفت علم و اطلاعات نوشته اند .

۲ - علی (ع) آن را به تنهایی نوشته است ولی منشور سازمان ملل را جمعیتی بعد از اعلانهای وسیع در سطح دنیا و بسیج کردن نویسندگان و متفکران و مشاوره ها و تبادل نظر و اصلاح ها نوشتند .

۳ - نویسندگان منشور سازمان ملل تبلیغات زیادی پس از نوشتن آن به راه انداختند و رجزها خواندند و منت های فراوانی بر سر مردم گذاشتند ولی علی (ع) آن را با کمال تواضع نوشت و به مالک داد .

۴ - علی (ع) این عهدنامه را نوشت و به پای آن ایستاد و به آن عمل کرد بلکه در راه عملی ساختن آن که منشور حق و عدالت است جان خود را قربانی کرد ولی نویسندگان منشور سازمان ملل به آن عمل نکرده و همان دست ها که آنرا امضاء کردند علی رقم مواد آن خون ها ریختند و فساد ها به وجود آوردند .

۵ - در اعلامیه جهانی حقوق بشر عواطف عمیق انسانی موجود نیست و نقیصه مهم آن خالی بودن از مسائل معنوی و ارزش های والای انسانی است ، ولی در نهج البلاغه این گونه نیست .

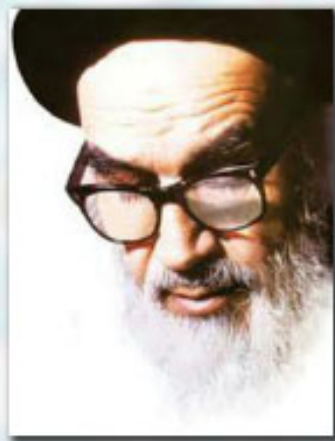
[امام علی (ع) صدای عدالت انسانی - ج ۱ - مقدمه - جرج جرداق مسیحی با کمی تصرف و اضافات]





ایشان می فرماید :

"ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه ، که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است ، از امام معصوم ماست."



[وصیت نامه سیاسی الهی ، امام خمینی رحمه الله ]

عجیب این است که نهج البلاغه در دیار خودش ، در میان شیعیان علی (ع) ... "غریب" و " تنها " است . همچنانکه خود علی (ع) غریب و تنها است ...

ما باید اعتراف کنیم که با نهج البلاغه بیگانه ایم ؛ دنیای روحی ای که برای خود ساخته ایم دنیای دیگری است غیر از دنیای نهج البلاغه .

[سیمای نهج البلاغه - عقلی - ص ۳۰]





" بعد از قرآن و احادیث پیامبر اسلام ، نهج البلاغه در درجه اول اهمیت قرار دارد . باید گفت به طور کلی این تنها به قلمرو حیات مذہبی تشیع محدود نیست ، بلکه تفکر فلسفی شیعه نیز به آن وابسته است و از آن مایه می گیرد ... "

[سیمای نهج البلاغه - استاد علیقلی - ص ۸۷]





کفتار علی که در بلاغت نبج است

مشور هدایت است و راه فرج است

جز راه علی که مستقیم است و درست

از راه دگر مرو که بیراه و کج است



## زهد تمام عیار

وَ قَالَ اِمَامِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) :

الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ : { لِكَيْلَا  
تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ } وَ مَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَىٰ  
الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ .

تمام زهد در دو جمله از قرآن مجید آمده است . خداوند سبحان می فرماید : « تا بر گذشته تاسف مخورید و با آنچه در دست دارید دلبسته و شادمان نباشید » . بنا بر این آن کس که بر گذشته تاسف نمی خورد و به آینده ( و آنچه در دست دارد ) دلبستگی ندارد هر دو طرف زهد (از آغاز تا پایان آن ) را در اختیار گرفته است .

حکمت ۴۳۹ نهج البلاغه

fslt.ir